

ما می‌گوییم:

۱. در ذیل بحث امر مبانی مختلف را در تصویر اینکه صیغه امر چگونه بر وجوب دلالت دارد توضیح دادیم.<sup>۱</sup>

مطابق با آن بحث درباره نهی هم همین مبانی را می‌توان طرح کرد:

- ۱) هیأت نهی برای حرمت وضع شده است (مبنای آخوند)
- ۲) هیأت نهی ظهور در حرمت دارد و این ظهور ناشی از انصراف است
- ۳) هیأت نهی ظهور در حرمت دارد و این ظهور ناشی از کشف عقلایی است
- ۴) هیأت نهی ظهور در حرمت دارد و این ظهور ناشی از مقدمات حکمت است (با تقریرهای مختلف)
- ۵) هیأت نهی ظهور در حرمت دارد و این ظهور ناشی از عدم قید است
- ۶) دلالت نهی بر حرمت مستند به حکم عقل است
- ۷) هیأت نهی ظهور در حرمت دارد و این ظهور مستند به حکم عقلا است
- ۸) هیأت نهی دلالت بر حرمت دارد، از باب دلالت معلول به سبب قرینه بر علت

۲. اما مبنای مختار:

۱) چنانکه وجوب مفهومی است که از «بعث شدید اعتباری در جایی که اعتبار کننده مستعلی است»، انتزاع می‌شود، حرمت نیز مفهومی است که از «زجر شدید اعتباری در جایی که اعتبار کننده مستعلی است» انتزاع می‌شود. چنانکه استحباب و کراهت از «بعث ضعیف اعتباری و زجر ضعیف اعتباری در جایی که اعتبار کننده مستعلی است» انتزاع می‌شود.

۲) همانطور که هیأت امر وضع شده است تا شنونده با شنیدن آن بعث اعتباری را در ذهن خویش اعتبار کند (ولذا هیأت امر علت اعتباری برای بعث اعتباری است)، همین گونه هیأت نهی وضع شده است تا شنونده با شنیدن آن زجر اعتباری را در ذهن خویش اعتبار کند و لذا می‌توان گفت هیأت و صیغه نهی علت اعتباری برای زجر اعتباری است.

۳) هیأت نهی دارای موضوع له نیست.

۴) متبادر از صیغه و هیأت نهی، آن است که این هیأت موضوع شود برای اینکه شنونده با شنیدن آن، «زجر شدید اعتباری» را اعتبار کند.

۱. ن ک صفحه ۱۶ درسنامه امسال



- ۵) اگر فردی که مستعلی نیست، صیغه نهی را استعمال کند، این صیغه، موضوع است برای اینکه شنونده «زجر شدید اعتباری» را اعتبار کند ولی از آن «حرمت» انتزاع نمی شود بلکه التماس و سوال فهم می شود.
- ۶) لذا اگر صیغه نهی، در کراهت استعمال شد (اعتبار زجر ضعیف) در این صورت در غیر ما وضع لاجله استعمال شده است. البته چون معانی انشائی موضوع له ندارند، استعمال برای «ایجاد زجر ضعیف اعتباری»، می تواند به عنوان استعمال مجازی تصویر شود.

